



دانشگاه کابل

پردیس دانشگاهی

پایان نامه کارشناسی ارشد

نقش آموزش عالی در دیپلماسی عمومی آمریکا در افغانستان

از:

محمد رضا جواهر

استاد راهنما:

دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین

اردیبهشت ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**پرديس دانشگاهي**

**علوم سياسي**

**روابط بين الملل**

**نقش آموزش عالی در ديپلماسی عمومی آمریکا در افغانستان**

**از:**

**محمد رضا جواهر**

**استاد راهنما:**

**دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین**

**استاد مشاور:**

**دکتر رضا سیمبر**

**اردیبهشت ۱۳۹۳**

تقدیم بہ:

پدر و مادرم

ہمسرو و دخترم

## تقدیر و تشکر:

سپاس و ستایش مرّ خدای را جلّ و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، در فشان. آفریدگاری که خویشان را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجلّ از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه اش با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم.

اما از آنجایی که تجلیل از مقام معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین؛

"بر حسب وظیفه و از باب "من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّوجلّ"

در اینجا بر خود واجب می دانم از پدر و مادر عزیزم که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت هایم گذشته اند و در تمام عرصه های زندگی همواره قسمتی از دل نگرانی هایشان بوده ام؛

از همسر عزیزم و مهربانم و یگانه دخترم که تک ستاره زندگی مرا روشنی بخش بوده است و با صبوری و آرامش خودشان مسببات تکمیل تحصیلات را برایم فراهم نموده اند؛

و در آخر از زحمات استادان گرانقدرم آقایان دکتر قربانی که راهنمایی این رساله را بر عهده داشته اند و دکتر سیمبر که با مشورتهای فراوان ایشان این مهم را به پایان رسانده ام کمال تشکر و قدردانی را دارم

باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	کلیات پژوهش (مقدمه)
۲.....	طرح مساله.....
	فصل اول: چارچوب مفهومی پژوهش
۷.....	مقدمه.....
۷.....	۱-۱) بررسی علل و تاریخچه سرمایه گذاری دولتهای غربی در آموزش عالی.....
۱۱.....	۱-۱-۱) نظریه های جایگاه علم و دانش در دیپلماسی.....
۱۶.....	۱-۱-۲) مفهوم و رویه (معنا و کاربرد) دیپلماسی عمومی در قرن.....
۱۹.....	۱-۳) معنا و مفهوم مبادلات آموزشی و همکاری های علمی فناوری.....
۲۲.....	۱-۴) نقش مبادلات آموزشی و همکاری های علمی فناوری در دیپلماسی عمومی.....
۲۵.....	۲-۱-۴) مبادلات آموزشی و همکاری های علمی فناوری و توسعه و گسترش تصورات مثبت در چهارچوب دیپلماسی عمومی.....
۲۷.....	۳-۱-۴) مبادلات آموزشی و همکاری های علمی فناوری بین المللی و سیاست خارجی در دیپلماسی عمومی.....
	فصل دوم: ساختار دیپلماسی عمومی ایالات متحده با تأکید بر آموزش عالی
۳۱.....	مقدمه.....
۳۱.....	۲-۲) قانون اساسی ایالات متحده آمریکا و ساختارهای تصمیم گیری در سیاست خارجی.....
۳۵.....	۲-۳) پیشینه دیپلماسی عمومی آمریکا.....
۳۹.....	۲-۴) حرکت ایالات متحده به سوی ایجاد ظرفیت دیپلماسی عمومی دائمی.....
۴۵.....	۲-۵) دیپلماسی عمومی آمریکا در صحنه روابط بین الملل.....
۵۱.....	۲-۶) نمودهای نقش آموزش در دیپلماسی عمومی آمریکا.....

۲-۷ نتیجه گیری..... ۵۷

### فصل سوم: دیپلماسی عمومی ایالات متحده در تعامل با دنیای اسلام

۳-۱ مقدمه..... ۵۹

۳-۲ وضعیت کنونی جهان اسلام در صحنه بین الملل..... ۵۹

۳-۳ آمریکا و جهان اسلام؛ نگرش‌ها و رویکرده..... ۶۰

۳-۴ نقش نیروهای مذهبی و پایگاه‌های فکری تأثیرگذار در آمریکا..... ۶۳

۳-۵ بررسی رویکرد کلی ایالات متحده در قبال جهان اسلام..... ۶۶

۳-۶ نتیجه گیری..... ۷۱

### فصل چهارم: رویکرد آموزشی دیپلماسی عمومی آمریکا در افغانستان

۴-۱ مقدمه..... ۷۴

۴-۲ پایه دیپلماسی عمومی؛ دستیابی به آموزش و پرورش آمریکا..... ۷۴

۴-۳ مروری بر اهداف آمریکا در افغانستان..... ۸۷

۴-۴ دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا در قبال افغانستان با رویکرد آموزشی..... ۹۰

جمع بندی و نتیجه گیری..... ۹۳

فهرست منابع..... ۱۰۰

## نقش آموزش عالی در دیپلماسی عمومی آمریکا در افغانستان

محمد رضا جواهر

ایالات متحده آمریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان قدرت هژمون در جهان و داعیه‌دار رهبری نظام بین‌الملل، سعی دارد با چالش‌های جدیدی که ابزارهای سنتی در سیاست خارجی یارای مقابله با آنها را ندارد، با استفاده از ابزار جدید با آنها مقابله کند. ابزارهای سنتی در سیاست خارجی از جمله دیپلماسی سنتی که دولت‌ها را مخاطب قرار می‌دهد، نیز کاربرد خود را از دست داده است. در اینجاست که دیپلماسی عمومی به عنوان مهم‌ترین ابزار برای مقابله با این چالش‌ها خود را نمایان می‌کند. این پژوهش با طرح این سؤال که نقش و جایگاه آموزش عالی در فرآیند دیپلماسی ایالات متحده با افغانستان چگونه می‌باشد، به این نتیجه رسیده است که آموزش عالی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های دیپلماسی عمومی ایالات متحده در افغانستان می‌باشد؛ بنحوی که زمینه را برای نفوذ بیشتر واشنگتن در این کشور فراهم نموده است. همچنین دیپلماسی عمومی ایالات متحده با رویکرد جدید نقش و جایگاه آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی بشدت ارتقاء یافته است. در این راستا یکی از راه‌های اصلی اعمال دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا از طریق فعالیت‌های مربوط به پخش برنامه‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد. در واقع ایالات متحده به این موضوع به خوبی پی برده است که امروزه اکثریت مردم اطلاعات خود را از طریق رسانه‌ها به دست می‌آورند و این اطلاعات نقش مهمی در شکل‌گیری عقاید و جهت‌گیریهای سیاسی آنها دارد. ایالات متحده این موضوع را درک کرده است که اگر خواهان حفظ کنترل خود بر مناطق استراتژیک و ژئوپلیتیک در خاورمیانه و شمال آفریقا است باید بتواند توده مردم را با سیاست‌های خود همراه کند و حمایت عمومی آنها را کسب کند که تنها راه به دست آوردن این اهداف استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در تمام اشکال آن است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، افغانستان، آموزش عالی، آمریکا، افکار عمومی



## **Abstract**

### **The Role Of Higher Education In America's Public Diplomacy In Afghanistan**

**Mohammad Reza Javaher**

United States of America following the collapse of the Soviet Union, as the hegemonic power in the world and is trying to claim leadership of the international system New challenges that traditional tools of foreign policy could not deal with them using new tools to deal with them The traditional tools of traditional diplomacy and foreign policy address that the government, as well as its use is lost. The danger is that public diplomacy as the most important tool to deal with these challenges appear to be - slow. This research is the question of the role of higher education in the United States and Afghanistan, how diplomacy is to conclude that higher education is the most important aspect of U.S. public diplomacy in Afghanistan; Such a way as to influence Washington in the field provided. The role of public diplomacy in the United States with a new approach to higher education and higher education has risen sharply. In this regard, one of the main ways to apply for Public Diplomacy United States of America through international broadcasting activities take place. The United States has realized this as good Today, most people get their information from the media This information plays an important role in shaping beliefs and their political orientation. The United States understands that If you want to maintain control over strategic and geo-political zones in the Middle East and North Africa must be accompanied by the masses with its policies and They managed to gain public support, and the only way to obtain these goals, the use of soft power and public diplomacy in all its forms.

**Key words:** public diplomacy in Afghanistan, Higher Education, America, public opinion

# کلیات پژوهش

(مقدمه)

## طرح مسأله

تبادلات دانشگاهی به طور عام به مجموعه‌ای از اقدامات بین المللی می‌گویند که در محدوده فعالیت‌های دانشگاهی قرار می‌گیرد. تبادلات دانشگاهی یکی از سازوکارهای بسیار مهم در برقراری ارتباط میان نخبگان کشورهای مختلف است. علاوه بر این این پدیده اثر مستقیمی بر انتقال فناوری و گسترش آن در میان کشورهای مختلف دارد.

در ادبیات مربوط به مدیریت علمی و آموزشی به این موضوع « بین المللی شدن آموزش » می‌گویند. پذیرش دانشجوی بورس از کشورهای دیگر توسط کشورهای توسعه یافته، که بیشتر از کشورهای در حال توسعه و یا جهان سوم است. اعطای بورس تحقیقاتی، ایجاد فرصت‌های مطالعاتی، برگزاری کارگاه‌های بین المللی، برگزاری سفرهای علمی و ... از جمله قالب‌هایی است که در چارچوب تبادلات دانشگاهی قرار می‌گیرد. کشورهای توسعه یافته، علی‌الخصوص آمریکا، سرمایه‌گذاری بسیاری در این موضوع کرده‌اند. پذیرش دانشجوی از کشورهای دیگر ثمرات زیادی برای کشور میزبان دربردارد که به راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت. ویژگی مهم این عمل ارتباط پیوسته یک فرد است که غالباً از کشورهای جهان سوم وقتی به عنوان دانشجو در کشور توسعه یافته‌ی میزبان پذیرش می‌گردد، دوره‌ای نسبتاً طولانی (چیزی در حدود ۳ تا ۵ سال) در آن کشور زندگی می‌نماید. زندگی در آن کشور در این مدت زمان سبب ایجاد همسویی ارزشی فرد با ارزش‌های کشور میزبان خواهد شد. همگرایی فرهنگی که میان فرد و کشور میزبان رخ می‌دهد، در بلند مدت می‌تواند از طرف کشور میزبان مورد استفاده قرار بگیرد.

سازوکار تبادلات دانشگاهی می‌تواند افرادی را تربیت کند که هویتی همسان با هویت کشور میزبان داشته باشند، و بعد از آنکه آنها به کشورهای خود مراجعه نمودند، به عنوان افرادی عمل کنند که مدافع منافع کشور میزبان بوده، و نوعی حس مشترک میان آنها و کشور میزبان پایدار بماند. توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که اگر تبادلات میان کشورهای صورت پذیرد که زمینه‌های مشترک فرهنگی و سیاسی داشته باشد، سبب تقویت همکاری و هم احتمالاً شکل‌گیری همگرایی در آینده روابط دو کشور خواهد شد. اما رابطه میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه همیشه بدین شکل نیست و غالباً تفاوت‌های فرهنگی بسیاری وجود دارد. لذا نتیجه اینگونه فعالیت‌ها منجر به از بین رفتن فرهنگ کشور هدف می‌گردد و ساخت فرهنگی آنها متناسب با کشورهای توسعه یافته شکل خواهد گرفت. پدیده‌ای که در عصر کنونی، آن را بسیار مشاهده می‌نماییم. به خصوص در کشورهای اسلامی که برنامه‌ریزی‌های هدفمند برای آنها از سوی کشورهای غربی می‌شود. با چنین رویکردی، نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا در کشور افغانستان پس از اشغال این کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف از این پژوهش کمک به شناخت بهتر و دقیق‌تر زمینه‌هایی است که ایالات متحده در صدد بسط و گسترش ارزشهای مورد نظر خود در کشورهای اسلامی، از جمله افغانستان دارد.

## سؤالات پژوهش

### سؤال اصلی

مهمترین ویژگی و محور دیپلماسی عمومی آمریکا در افغانستان چیست؟

### سؤالات فرعی

(۱) جایگاه دیپلماسی عمومی در رویکرد کلان دیپلماسی آمریکا چیست؟

(۲) جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی عمومی آمریکا در کجا قرار دارد؟

(۳) نقش و جایگاه آموزش عالی در فرآیند دیپلماسی ایالات متحده با افغانستان چگونه می‌باشد؟

### فرضیه پژوهش

دیپلماسی عمومی نقش و جایگاه بسیار مهمی را در فرآیند دیپلماسی ایالات متحده به خود اختصاص داده است. این

دیپلماسی با رویکرد جدید نقش و جایگاه آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی ارتقاء

یافته است. آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی مهم ترین جنبه دیپلماسی عمومی ایالات متحده در

افغانستان می باشد که موضوع زمینه را برای نفوذ بیشتر واشنگتن در این کشور فراهم نموده است.

### متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: نقش و جایگاه آموزش عالی

متغیر وابسته: دیپلماسی عمومی ایالات متحده در افغانستان

### چارچوب مفهومی پژوهش

در این پژوهش از نظریات «قدرت- دانش» میشل فوکو و «شرق شناسی» به عنوان چارچوبی برای فهم موضوع استفاده شده است. ادوارد سعید تحت تاثیر نظریه گفتمان میشل فوکو و هژمونی آنتونی گرامشی به بررسی رابطه «غرب» و «شرق» و اینکه چگونه دانشی که اندیشمندان غربی از شرق تولید کرده‌اند در خدمت امپریالیسم غربی قرار گرفته است، پرداخته است.

روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. و جهت گردآوری اطلاعات از روش آرشیوی (کتابخانه‌ای) استفاده شده است.

### پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه موضوع انتخاب شده، موضوعی جدید است، برخی از منابع مرتبط با موضوع در حد یک مقاله بوده است و از گستره محتوایی چندانی برخوردار نیستند. در این پروژ، نویسنده با توجه به منابع موجود با دیدی تحلیلی به نقش و جایگاه دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال نظام آموزش عالی در افغانستان خواهد پرداخت. برخی منابع مورد نظر عبارتند از:

کتاب "قدرت نرم" نوشته جوزف نای (۱۳۸۸) ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری از انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)؛ این کتاب در فصل دوم درباره منابع قدرت نرم، اقتصاد، زمینه جذب مهاجرین خارجی، صادرات فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی آمریکا و همچنین به صورت مفصل به ظهور و سقوط آمریکایی ستیزی می‌پردازد. در فصل سوم که درباره قدرت نرم بحث شده است، به قدرت نرم کشورهای دیگر مانند اتحاد جماهیر شوروی، اروپا، آسیا و بازیگران غیرحکومتی اشاره می‌نماید. پژوهشگر در این فصل سعی دارد تا تصویری از بازیگران این مناطق به دست دهد. شکست اتحاد جماهیر شوروی در توسعه قدرت نرم و فضایی که اکنون آمریکایی‌ها می‌توانند از آن بهره ببرند، موضوعات خاورمیانه؛ بخصوص عراق، وضع ژاپن و فرهنگ جذاب آن، موقعیت روبه جلو اقتصادی چین و در پایان قدرت نرم ایالات متحده به بحث گذارده شده است. در فصل چهارم، بکارگیری صحیح قدرت نرم را به بحث می‌گذارد و در مورد تلاش‌های اولیه درباره قدرت نرم بحث می‌کند. در این پژوهش، با گسترش بحث‌های مربوط به دیپلماسی عمومی سعی در ایجاد پیوند میان گذشته و حال شده است. نویسنده دیپلماسی را موضوعی چندبعدی می‌داند که شامل ارتباطات روزانه، ارتباط استراتژیک و گسترش روابط دامنه دار و طولانی با افراد مهم است و در فصل پنجم قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا را مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است که هزینه‌های بی‌توجهی به قدرت نرم می‌تواند در دل خود بحران‌های درازمدتی را به همراه داشته باشد.

کتاب "آمریکا ۶؛ ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا" در سال ۱۳۸۴، توسط موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران منتشر گردیده است. در این کتاب به مفاهیم متفاوتی از استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در رابطه با سیاست‌گذاری‌ها و تاثیر دیپلماسی عمومی بر امنیت پرداخته است. مقالات متنوعی که در این کتاب وجود دارند، عبارتند از:

مقاله اول، دکتر حسام الدین آشنا به بررسی فرهنگ و ارتباطات در خدمت سیاست خارجی پرداخته است؛ در این بررسی روند پیدایش و تکامل مفهوم دیپلماسی عمومی در خدمت سیاست قدرت‌های برتر و در راس آن ایالات متحده بحث شده است. در مقاله دوم دکتر حسن حسینی درباره سازوکار و ساختارها در دیپلماسی عمومی و تاثیر آن بر جذب، مدیریت و هدایت تصاویر ذهنی و منافع ملی ایالات متحده و عامل تاثیر گذار فرهنگ در تبیین سیاست خارجی سخن رفته است. در مقاله سوم دکتر حسینی

درباره ارتباطات راهبردی ابعاد و ابزار در رهیافت امنیت ملی آمریکا، اینطور نتیجه گرفته است که ایالات متحده سعی در پیوند منطقی و واقعی بین گفتار و رفتار خود با هدف تسخیر قلوب و عدول جهانیان را دارد. در مقاله سوم خان اوغلان خدایی، جایگاه دیپلماسی عمومی در استراتژی امنیت ملی آمریکا را مورد بحث قرار داده است و مجموعه فعالیت های اطلاعاتی و عملیات روانی و فرهنگی که وسیله ای برای انتقال افکار و اندیشه ها به هر شیوه ممکن برای تاثیرگذاری بر رفتار توده های مردم است، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در مقاله بعدی رضا داد درویش به دیپلماسی عمومی آمریکا در جهان اسلام پرداخته است.

کتاب "کاربرد قدرت نرم در روابط بین الملل" توسط ژان ملیسن و همکاران در سال ۱۳۸۸ نوشته شده است. این کتاب با مقدمه دکتر اصغر افتخاری درباره دیپلماسی نوین؛ رویکردی ایرانی آغاز شده است و شامل ۱۱ فصل است. در فصل اول آن به بررسی دیپلماسی عمومی نوین از تئوری تا عمل پرداخته است. وی دیپلماسی عمومی را به مثابه یک مفهوم معرفی نموده، سپس اهمیت دیپلماسی عمومی را در محیط متغیر بین المللی بررسی می نماید و در این مقاله بین تبلیغ و روابط فرهنگی و شاخص سازی ملت با دیپلماسی عمومی تمایز قائل شده است. فصل دوم کتاب درباره بازاندیشی در دیپلماسی عمومی نوین است که توسط برایان هوکینگ به رشته تحریر درآمده، وی در این مقاله به بررسی قدرت نرم و جایگاه دیپلماسی عمومی می پردازد. فصل سوم کتاب، توسط پیتر فون هام نوشته شده است و به بررسی گفتن صلح آمریکایی و مبنای هنجارهای ایدئولوژیک آمریکا و همچنین نقش دیپلماسی عمومی در حال تکوین ایالات متحده آمریکا می پردازد.

کتاب "منطق سیاست خارجی آمریکا" با تالیف پاتریک کالاهان و با ترجمه داود غرایاق زندی، محمود یزدان فام و نادر پور آخوندی و پژوهشکده مطالعات راهبردی آن را در سال ۱۳۸۷ منتشر نموده است. در این کتاب شش منطق برای بررسی و تحلیل رفتارهای مختلف سیاست خارجی آمریکا مورد بررسی و توضیح گویا قرار گرفته و سپس به نوع رویکرد و تفسیر هر یک از این منطق ها نسبت به تعدادی از موضوعات راهبردی در سیاست خارجی پرداخته شده است.

### سازماندهی پژوهش

این پژوهش در پنج فصل تنظیم شده است. در فصل اول به مبنای نظری و تاریخچه آموزش عالی و نقش قدرتهای غربی و به ویژه «ایالات متحده» در توسعه و گسترش نهادهای عالی آموزشی پرداخته شده و نقش قدرت در رشد، پایه گذاری و پرورش دانشجویان علوم مدرن در جهان امروز مورد تبیین و تحلیل قرار می گیرد. در فصل دوم ساختار دیپلماسی عمومی ایالات متحده با تأکید بر آموزش عالی و در فصل سوم به دیپلماسی عمومی ایالات متحده در تعامل با دنیای اسلام پرداخته شده است. فصل چهارم پژوهش به بررسی رویکرد آموزشی دیپلماسی عمومی آمریکا در افغانستان اختصاص دارد و در نهایت فصل پنجم نیز به نتیجه گیری حاصل از فصول گذشته اختصاص داده شده است.

# فصل اول

## چارچوب مفهومی پژوهش

وابستگی «دانش»<sup>۱</sup> و «قدرت»<sup>۲</sup> عمری به درازای تاریخ تمدن بشری دارد و در دوران «مدرن»<sup>۳</sup> و بعد از «رنسانس»<sup>۴</sup> مغرب زمین، «فرانسیس بیکن»<sup>۵</sup> با عبارت «دانش یعنی قدرت» این رابطه را به صورت عقد دائم، در تمدن نوین مغرب زمین نوید داد. رابطه‌ای که متفکرانی چون «میشل فوکو»<sup>۶</sup> در اندیشه خود، طرح بندی و صورتبندی دانش و قدرت را تئوریزه کردند. (فوکو، ۱۳۹۰). نهادهای آموزشی دوران جدید به ویژه در سطح آموزش عالی، مهمترین نمادهای وابستگی و ارتباط علم جدید و قدرت هستند و قدرتهای بزرگ با سرمایه گذاری و حمایت، علم تولید می کنند، دانشمند پرورش می دهند، توسعه «علمی» می دهند تا بتوانند حضور خود را در سراسر جهان «مشروع» جلوه دهند و البته این توسعه به همراه خود گسترش علوم و دانش را به همراه دارد.

### ۱-۱) بررسی علل و تاریخچه سرمایه گذاری دولتهای غربی در آموزش عالی

شاید بتوان گفت در مورد شرق و تلاش غرب برای دست یافتن به منابع انسانی و مادی کشورهای غیر غربی - که از قرون بعد از رنسانس مغرب زمین شروع شده و در قرون ۱۸، ۱۹ و ۲۰ به اوج خود رسید. دانش و علوم انسانی در خدمت نظام سرمایه داری قرار گرفت تا در درجه اول تصویری مطابق خواست از این جوامع در اختیار نسل تحصیلکرده و جوان آنان قرار گیرد تا با آن جامعه خود را مورد نقد قرار دهند و ثانياً به متولیان و سیاستگذاران اقتصادی - سیاسی مغرب زمین توانایی برخورد و تحت سلطه قراردادن جوامع غیر غربی و تحت استعمار را دهند. امری که «ادوارد سعید»<sup>۷</sup> در کتاب «شرق شناسی»<sup>۸</sup> خود به آن اشاره می کند. سعید معتقد است شرق شناسی در تبیین خود این گونه عمل می کند:

۱. بین شرق و غرب تفاوت عمیق و مطلق برقرار است.

۲. بازنمایی جوامع غربی از شرق، نه بر واقعیت، بلکه بر برداشت‌های ذهنی استوار است.

1. Knowledge

2. Power

3. Modernity

4. Renaissance

5. Francis Bacon

6. Paul Michel Foucault

7. Edward Said

8. Orientalism



۳. شرق بدون تغییر و راکد و در نتیجه، قادر به تعریف هویت خود نیست.

۴. شرق مطیع و منقاد و فرمان‌بردار است (سعید، ۱۳۹۱).

سعید، گسترش شرق‌شناسی را همراه با گسترش استعمار اروپاییان می‌داند و اعتقاد دارد که همراه با مطالعه‌ی زبان، انسان‌شناسی، تاریخ و جغرافیا و تمامی جلوه‌های گوناگون مشرق‌زمین، شبکه‌ای از دانش را تشکیل می‌دهند که شرقی را به ذهن غربی به صورت تصفیه‌شده نشان می‌دهد و بعد از عبور از صافی دانش و قدرت ذهن غربی، با شرق شکل‌گرفته توسط قدرت، شناخته می‌شود. شرق‌شناسی از دیدگاه سعید، مجموع مفروضات غلطی است که اندیشه‌ی غرب را نسبت به شرق متأثر ساخته است. شرق با این دیدگاه «دیگر بود» غرب است و از جهتی دیگر، شرق‌شناسی، به عنوان ساختی از گفتمان ایدئولوژیک غرب، این امکان را برای اروپاییان فراهم نموده است تا بتوانند شرق را به زیر سلطه و تصرف خود درآورد و آن را استعمار کند (اطهری، ۱۳۹۲).

سعید شرق‌شناسی را نمونه‌ای مثال‌زدنی از دانش نهادینه شده و تحقیر شده می‌داند، که باید از سوی ضد دانشی خصمانه یا متضاد به رویارویی فراخوانده شود. تحلیل وی از این حوزه مبتنی بر سه معنای نسبتاً غیر متعارف از شرق‌شناسی است. اگر نگاهی دوباره به تعریف سعید از شرق‌شناسی داشته باشیم ارتباط شرق‌شناسی با گفتمان روشن‌تر می‌گردد. در تعریف سوم، سعید نهایتاً درک اصلی خود از شرق‌شناسی را بیان می‌کند. نظامی عظیم یا شبکه‌ای بینامتنی از قوانین و روندهایی که هر آنچه را که می‌توان در مورد شرق آموزش داد، نوشت و تجسم کرد، به نظم در می‌آورند. این معنا دو معنای قبلی را نیز در بر دارد. البته ادوارد سعید در شرق‌شناسی به تفاوت جزئی خود با بحث‌های فوکو اشاره می‌کند: "برخلاف میشل فوکو که به کارش بسسیار مدیونم من به اثر و نشان تعیین‌کننده فرد فرد نویسندگان بر مجموعه متونی که ساختمان پراکنده نظیر شرق‌شناسی را تشکیل می‌دهند اعتقاد دارم و وحدت مجموعه نسبتاً وسیع و متشابه از کتبی را که من مورد تحلیل قرار می‌دهم می‌توان به یک معنا واقعیتی دید که متون مزبور متناوباً به یکدیگر ارجاع می‌دهند، بالاخره شرق‌شناسی یک سیستم نقل قول از آثار و مؤلفین است" (سعید، ۱۳۹۱: ۵۰).

نکته‌ای که از فهم اندیشه سعید در قبال رشد و گسترش نظام آموزش عالی و هدفهای غرب برای استفاده از این اهرم فرهنگی می‌توان فهمید تأکید بر این نکته است که غرب نیازمند بازنمایی شرق- و به طور کلی جوامع غیر غربی- در اندیشه و

ذهن خود مردمان این جوامع است. همچنین مردمان مغرب زمین هم نیازمند چنین تصویری هستند تا هنگام برخورد با این جوامع - از ورود یک کارگر ساده به یک پروژه اقتصادی تا مدیر نمایندگی یک نهاد و شرکت و موسسه یک جامعه غیر غربی و حتی تماشاگر و استفاده کننده ساده کالاها و فرهنگی جوامع غربی - تصویری سلطه پذیر و حتی مظلوم و پاک و نجیب از مردمان و جوامع غیر خود داشته باشند تا اندیشه سلطه و «هژمونی»<sup>9</sup> جامعه برتر در نزد آنان درونی گردد.

نظریه «فرار مغزها»<sup>10</sup> نمونه ای از تاثیرات نظامهای آموزشی مغرب زمین بر سرنوشت قشر تحصیلکرده جوامع غیر غربی است. «فرار مغزها به مهاجرت نخبگان اعم از دانشمندان، پزشکان، متخصصان و مهندسان با مهارت اطلاق می شود که جامعه به دانش و مهارت آنان نیازمند است.» فرار مغزها فرار سرمایه های نیروی انسانی است که با صرف هزینه به دست آمده اند. معمولاً جامعه به تخصص، دانش و مهارت فنی این نیروها نیاز دارد، اما این نیروها به دلایل مختلف مهاجرت دائمی یا نیمه دائمی به کشورهای دیگر را ترجیح می دهند (وقوفی، ۱۳۸۰: ۲۷).

اصطلاح فرار مغزها مربوط به دوره پس از جنگ جهانی دوم است؛ زمانی که شکاف تازه ای میان کشورهای پیشرفته و در حال گذار پدید آمد و بهره برداری از امکانات و منابع در کشورهای توسعه یافته مطرح گردید (بهنام، ۱۳۵۴: ۱۲۶). در آن زمان کشورهای در حال توسعه به تعداد وسیعی از عناصر متخصص دست یافتند و در عین حال به این نیروها نیز نیازمند بودند، ولی بنا به دلایلی آنان را به نفع کشورهای در حال توسعه از دست می دادند. فرار مغزها به طور جدی تنها پس از دهه ۴۰ میلادی در کشورهای توسعه یافته مشاهده شد. «احسان نراقی» جامعه شناس ایرانی، در دهه ۶۰ میلادی با طرح این نظریه در عرصه جهانی، با آمار و ارقام ثابت کرد که رقم مهاجرت اقشار تحصیلکرده جوامع جهان سوم به جوامع پیشرفته غربی رو به افزایش است و جوامع پیشرفته، استعدادها و نوابغ این جوامع را جذب می کنند (نراقی، ۱۳۵۶).

با درک و فهم ویژه اینگونه مسائل بنیادی است که می توان متوجه شد که، از اوایل قرن بیستم دولت ها سرمایه گذاری در امر مبادله و همکاری آموزشی بین المللی به عنوان وسیله ای برای توسعه صلح و درک متقابل را شروع کردند. (دوتچ، ۱۹۷۰: ۹؛ دو ویت، ۲۰۰۲: ۱؛ فولبرایت، ۱۹۹۴: ۱۴؛ الوی، ۱۹۹۴: ۷۰-۶۵). در این وهله، در سال ۱۹۲۱، «انجمن بین المللی همکاری

<sup>9</sup>. Hegemony

<sup>10</sup>. Brain Drain

فکری»<sup>۱۱</sup> تحت سرپرستی جامعه ملل و قبل از پیدایش یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد) تاسیس شد. پس از جنگ جهانی دوم بود که یونسکو به عنوان راهی برای مبارزه با تصورات نادرست و بی اعتمادی در میان ملت‌ها بنا گذاشته شد. طبق مقدمه اساسنامه یونسکو: «... جهل و بی خبری از راه و روش زندگی یکدیگر عامل شایع سوءظن و بی اعتمادی میان مردم جهان در طول تاریخ بشریت بوده است. مردمی که اختلافاتشان در اغلب موارد به جنگ و خونریزی منتهی می شد» (پیام یونسکو، ۱۳۶۴).

ایجاد و تعمیم فهم مشترک در قرن ۲۱، بویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر دیگر بار اهمیتی دوچندان یافته است. حملات زمانبندی شده تروریستها که مرکز تجارت جهانی را ویران کرد و به مرکز کاملاً حفاظت شده پنتاگون در واشنگتن آسیب زد، ابر قدرتها را بر آن داشت تا به این نکته توجه نمایند که این واقعه در خاور میانه و دیگر جوامع مسلمان چگونه تصویر و تعبیر می شود. بسیاری از پرسشها برای آمریکایی ها مطرح شد که یکی از آنها چنین بود: «چرا آنها از ما نفرت دارند؟» (نای، ۲۰۰۴).

پاسخها و دلایل این امر بیش از همه به بدفهمی ها و تصورات نادرست در مورد ایالات متحده و شیوه زندگی در آن جا نسبت داده می شد از این رو فهم فرهنگ آمریکایی به عنوان هدفی دیپلماتیک در اولویت قرار گرفت (فین، ۲۰۰۳). برای پرداختن به این مسئله تلاشهای دیپلماسی عمومی قوت گرفت، اما معلوم شد که خلق و پخش تصاویر و تأثرات مقطعی در رسانه ها بی چون تلوزیون و برنامه های رادیویی کافی نیست. در انجام این کار می باید ابزارهای کهنه دیپلماسی عمومی را ارتقاء داده و در فرآیند درازمدت توسعه پایدار با عموم ملل خارجه از طریق برنامه های مبادله آموزشی بین المللی و دیگر اقدامات در زمینه روابط فرهنگی بین المللی (باز) سرمایه گذاری شود.

با این حال نقش مبادلات آموزشی بین المللی در دیپلماسی عمومی آنچنان که در بادی امر به نظر میرسد روشن نیست. در واقع چندان مشخص نیست که چرا مبادلات آموزشی بین المللی فرآیند بهبود تصویر و تصور (دیگر ملل) را تسهیل می کند یا چرا این امر موجب رشد تفاهم فرهنگی بین دو کشور می شود، به ویژه اگر توجهاتی را که پشت ایده نمایش دلفریب سیاست خارجه کشور خوابیده را رها کنیم. معمولاً چنین استدلال می شود که دانشجویان بین المللی با

<sup>۱۱</sup> . ICIC

احساسی از ستایش و قدردانی نسبت به ارزشها و نهادهای کشور میزبان بازمیگردند و نیز تماسهای میان فرهنگی به کاهش کلیشه‌ها و باورهای رایج کمک می‌کنند اما دلایل این گونه مباحثات غالباً توضیح داده نمی‌شوند.

#### ۱-۱-۱) نظریه‌های جایگاه علم و دانش در دیپلماسی

#### ۲-۱-۱) قدرت نرم<sup>۱۲</sup> (جوزف نای)

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، اندیشمندان و نظریه‌پردازان برجسته سیاست بین‌الملل، یعنی کسانی همچون «چارلز کروتامر»، «ساموئل هانتینگتون»، «ویلیام کریستول»، «رابرت کیگان» و «فرانسیس فوکویاما» کوشیدند که با طرح دیدگاه‌هایی نوین، شرایط راستین حاکم بر سامانه بین‌المللی را بررسی و تجزیه و تحلیل کنند. یکی از اندیشمندانی که در این مسیر گام مهمی برداشت، «جوزف اس. نای»<sup>۱۳</sup> استاد روابط بین‌الملل در مدرسه حکومتی جان اف. کندی دانشگاه هاروارد است.

وی در سال ۱۹۹۰ در نوشتاری با عنوان «تغییر ماهیت قدرت جهانی» که در فصلنامه «علوم سیاسی» به چاپ رسید، با طرح کردن اصطلاح قدرت نرم در کنار واژه قدرت سخت کوشید که شرایط حاکم بر سامانه بین‌المللی در دوران پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی را از این دیدگاه تجزیه و تحلیل کند. از دیدگاه نای، همزمان با دهه پایانی سده بیستم و به سبب دگرگونی در ماهیت سیاست‌های بین‌المللی، اشکال ناملموس قدرت، اهمیت بیشتری یافته و قدرت در حال گذار از منابع ثروت به منابع اطلاعات بوده است (گلشن‌پژوه و کوزه‌گر کالجی، ۲۰۱۳: ۴۲). در واقع، تحول بستر قوام قدرت در سیاست بین‌الملل باعث شده است تا قدرت از خاستگاه اصلی خود تغییر مکان داده و جوامع نیز قدرت را نه در گرو منابع صرفاً مادی قدرت، بلکه در توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر به شمار آورند. نام این بُعد نوین از قدرت، قدرت نرم خوانده می‌شود که محصول و برآیند کسب اعتبار بین‌المللی کشور و تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت آن بر دیگران است. بدین‌سان، قدرت نرم از جمله مباحثی است که در خلال سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان بسیاری قرار گرفته است، زیرا ماهیت این نوع قدرت از قدرت سخت متمایز است.

<sup>۱۲</sup> . Soft Power

<sup>۱۳</sup> . Joseph Nye